

«ضیافتخانه فیض»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

علی اندر غزا بودی ندایش حروف منفصل اندر دعایش

ندا می کرد به کهیعیص به جمعسق آن قُطب عُبَاد

از دیوان علامه حسن زاده آملی

حضرت مولی الموالی، علیّ وصیّ عالیّ اعلیّ، امیرالمومنین علیه السلام بدین صورت به جنگ با دشمن آغاز می فرمود: «یا کهیعیص یا جمعسق لا حول و لا قوه الا بالله». از این کمترین خواسته شد تا تحفه ای عُقر (سوغات) راه بازدید کنندگان مناطق جنگی و ره پویان طریق پرمخاطره عشق، سالکان راه شهیدان، نمایم. شاید مشتاقان را در پیمودن راه خودسازی و وصول به غایت قُصوای انسانی بکار آید.

شهیدان اهل الله، صاحبان درد بودند که با سوز و گداز و چشمی پر از امید و اشک و قلبی آکنده از نور ولایت حضرت وصیّ امیرِ عالم و آدم به دیدار جمال رخ بی مثال دوست و سرّ یار شتافتند که نه با پا بلکه، با جدول وجودیشان به بحر لا یتناهی «هو» اتصال یافتند که دیده را به دیدار جمال، و دل را به لقای ذوالجمال او لذت داده اند و همانند مرکز عالم وجود، و نقطه دایره ازل و ابد، و فاتحه مصحف کتاب شهادت، و مقصد عُشاقِ مقدس از شین، یعنی اُبا عبدالله الحسین علیه السلام، نور ذات الهی را به تماشا و شهود نشسته اند. لذا همانند مرغان سحر، تاج عزّت بر سر گذاشته و سر به پای او نهاده اند و عبد مسکین او شدند. آن راست قامتان چون در سرّ خود مرآت مجلّو یارند، حقایقی در جانیشان متمثل شده است که غیورانه آن اسرار را در کتمان جان نهادند و با آب حیات عشق، لوح دل را شسته اند تا پرتو «الله نور» در آن فروزان گشت و در صهبای ولاء به خال وحدت رسیدند و آرام و خاموش شدند تا در آرامش زلف او به لذت خال وحدت کام جان یافتند و گویند:

مائم و رخ یار دلارام و دگر هیچ ماراست همین حاصل ایام و دگر هیچ

شهیدان مبهوت جلالند و مجذوب جمال، لذا هم صامتند و هم ناطق.

خلاصه آنکه: شهیدان عین حضور و شهودند.

به مثل، اگر مانند قرآن کتابی در شهادت نازل بشود، سوره فاتحه آن کتاب شهادت، شهادت جناب سیدالشهداء علیه السلام است. (حضرت علامه حسن زاده آملی)

ندای «تعالوا» از شهیدان

آیا راه وصول به شهادت که همان حضور و مراقبت است، برای هر مشتاقی باز است یا نه؟ در جواب عرض می کنم که ای عزیزان همه شاهدان تاریخ و نیز همه انبیای عظام و اوصیای کرام ما را با ندای تعالوا یعنی بالا بیایید به مقام خود دعوت نموده اند و راه وصول به تجلیات ذاتی و اسمائی حق متعال را باز دانسته اند که اگر ما را لیاقت و شایستگی به آن مقامات و درجات والای انسانی نبود، دعوت ما به سوی آن عبث بود و حاشا که سفرای الهی دعوت به گزاف نمایند. پس ای برادر و خواهر و ای طالب طریق سعادت و ای تشنه آب زلال کوثر انسانی، بدان که:

تشنه به سوی آب و خود تشنه تشنه است آب خدا گدا گدا کند، گدا خدا خدا کند

یعنی اول آب با تشنگی به دنبال تشنه می گردد سپس تشنه، آب طلب می کند. پس اول خدا به دنبال گدا می گردد که جود و وجود اقتضای فقیر دارد بعد گدا خدا خدا می کند. پس ای عزیز از تو حرکت و از خدا برکت.

به حقیقت برو و بگو آمدم، اگر گفتند اینجا چرا آمدی، بگو به کجا روم و به کدام در رو کنم، اگر گفتند به اذن کی آمدی، بگو شنیدم:

بر ضیافتخانه فیض نوالت منع نیست در گشاده است و صلا در داده، خوان انداخته

اگر گفتند تا به حال کجا بودی؟ بگو راه گم کرده بودم. اگر گفتند چی آوردی؟ بگو:

اولاً دل شکسته که از شما نقل است:

در کوی ما شکسته دلی می خرنند و بس بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است

و ثانیاً:

جز نَداری نبود مایهٔ دارایی من طمع بخششم از درگه سلطان من است

و ثالثاً: الهی آفریدی رایگان، روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان، تو خدایی نه بازرگان.

اگر گفتند بیرونش کنید، بگو:

نمیروم ز دیار شما به کشور دیگر برون کنید ازین در درآیم از در دیگر

اگر گفتند این جرأت را از که آموختی؟ بگو: از حلم شما. اگر گفتند قابلیت استفاضه نداری، بگو قابلیت را هم شما افاضه میفرمائید. باز اگر از تو اعراض نمودند بگو:

به والله، به بالله، به تالله به حق آیهٔ نصرٌ من الله

که مواز دامن دست برندیرم اگر کشته شوم الحکم لله

اگر گفتند مُدنی، بگو اولاً شنیدم شما غفّارید و ثانیاً من مَلک نیستم، آدم زاده ام و ثالثاً:

ناکرده گنه در این جهان کیست، بگو آن کس که گنه نکرده و زیست، بگو

من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست، بگو

اگر گفتند این حرفها را از کجا یاد گرفتی، بگو:

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش

اگر گفتند چه می خواهی؟ بگو:

جز تو ما را هوای دیگر نیست جز لقای تو هیچ در سر نیست

آنچه نوشیدی جرعه ای از کوثر معنویت حضرت عارف واصل علامه حسن زادهٔ آملی بود. پس ای عزیز تو هم با این چهار اصل یعنی حضور و ادب و همت و طلب، دست از دامن حق و شهیدان راه دوست برندار و نگو که فقط همان ایام دفاع مقدس بود و تمام شد بلکه به مضمون بیان عرشی حضرت مقام عزیز رهبر آیت الله معظم خامنه ای کبیر مدظله العالی: اگر آمریکا راه جنگ در پیش گیرد بداند که واقعهٔ صلح امام

حسن علیه السلام تکرار نخواهد شد بلکه حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد. که به فرموده حضرت امام راحل: ملت ما ملت شهادت است.

ای عزیز عمده، حضور و مراقبت است که کلید و مفتاح همه فتوحات معنوی و شهودات قلبی و القاءات سبوحی و تمثلات ملکوتی است و برای بدست آوردن آن راه معرفت نفس و طهارت و ادب با خدا و توحید صمدی قرآنی را طی کنی تا کام دل گیری و بدان که راه نبوت انبائی و عصمت و طهارت باز است و گرنه خلقتان عبث می شد. ای سالکان کوی یار بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است؛ پس بخوان و بالا برو. و تو را مقام محمود است که اگر اهل سحر و سهر شوی در تاریکی شب بدین آب حیات انسانی دست یابی.

صمت و جوع و سهر و خلوت و ذکر به دوام نا تمامان جهان را کند این پنج تمام

واجبات را انجام ده و از محرّمات اجتناب کن و کسب حلال داشته باش تا فرقان حق از باطل پیدا کنی. ای جوان سرمایه عمر را مغتتم بشمار و تو ای خواهر گرامی چادر فاطمه زهراء علیه السلام را حفظ کن تا در نزد شهیدان رو سفید باشی. ای عزیز دست تو سلّ به ذیل ولایت ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص حضرت قائم آل محمد بقیه الله مهدی هادی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باش که تا خودت را از غیبت به در آوری و شاهد آن شاهد مشهود علی الاطلاق باشی. به تعبیر خضر راه، حضرت حسن زاده آملی:

چگونه غایب خوانی و دورش	نبینی خویشان را در حضورش
تویی غایب که دوری در بر وی	نهادی نام خود را بر سر وی
سبّل بر دیدگانت گشته چیره	که خورشید است در چشم تو تیره
حسن بادا فدای خاک پایش	که باشد خاک پایش توتیایش

بازدید از مناطق جنگی همانند قتلگاه شهیدان شلمچه و هویزه، بوفلفل، فاو، سوسنگرد، دهلاویه، چذابه، هورالعظیم، دهلران، موسیان، چیلان، فکه، پادگان حمید، دشت آزادگان، بستان، مناطق عملیاتی جنوب و غرب نه تنها مایه یأس و ناامیدی نیست بلکه موجب ارتقای وجودی برای درجات عالیّه و تصمیم برای وصول به مقامات شهیدان است. پس ای عزیز از شهیدان استمداد کن و دامن سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام را بگیر تا در کاروان قافله انسانی حضرت بقیه الله قرار گیری و بگو:

صبا گو آن امیر کاروان را مراعاتی کند این ناتوان را

رَه دور است و باریک است و تاریک به دوشم می کشم بار گران را

راه باز است و در گشاده است و صدا هم در داده اند که سفره پر مائده الهی هم گسترده است و ضیافتخانه دوست، مهمان طلب می کند. لذا خویشان را تضعیف روحیه نکن زیرا انسان آفریده شدی و غذای تو آسمانی است و آسمانیان هم در انتظار مقدمت به سر می برند که فقط جان را عُقر و سوغات کن که:

تحفه جان را چو سازی عُقرِ راه قرب دوست دوست را یابی به انواع هدایا و تُحَف

برادر و خواهر عزیز؛ تن خسته و دهان بسته و دل شکسته داشته باش و در مسیر راه ولایت باش که:

تا مست ز صهای ولایی ایدل تا صاحب رتبه رضایی ایدل

تا همدم مُصحف و دعایی ایدل خوش باش به سنگر خدایی ایدل

شب سه شنبه ۸۰/۱۲/۱۴ = ۲۰ ذی حجه ۱۴۲۲

قم المقدسه - داوود صمدی آملی